

کنترل فکر: شما زمانی میتوانید فکر خود را کنترل کنید که با انجام اعمال خود، باعث بهم ریختن فکر دیگر هم نوعان نشوید، انجام بعضی اعمال که منفی میباشد تنها افکار خود شما را متلاطم میکند و عامل میشود نتوانید به خوبی فکر کنید و تصمیمی منطقی اتخاذ نمائید، و در مجموع انجام هر نوع عمل بدون تصمیم گیریهای متفکرانه باعث ضرر روزیان خود شما خواهد شد، پس اول بار شخص بایستی بر تفکرات خود جهت داده و افکار خود را آرام نماید، از فکر کردن های جور و اجور دوری کند و در هر لحظه تنها به یک مسئله فکر کند و آنگاه که توانست این مسئله را به شیوه ای صحیح حل و فصل نماید آنگاه وارد موضوع بعدی شده و بر موضوع جدید تمرکز فکری بگیرد تا آن را نیز به شیوه ای درست مرتفع نماید، در چنین حالتی که شخص بتواند افکار هجومی مغز خود را دسته بندی نموده و با اولویت به حل و فصل مسائل بپردازد کم کم حالت تفکرات آرام شده و از تلاطم اولیه خارج خواهد شد

،تنها حامی و پشتیبان هر شخصی عقل و منطق خود اوست و هنگامی شخص نتواند به قدرت تفکرات خود جهت بخشد ونحوه ی فکر کردن خود را تحت کنترل درآورد و همچنین در اجرای عمل بی منطق باشد،تنها حامی خود را از دست خواهد داد.

آنگاه که فکر نباشد،تصمیم گیری انجام نخواهد شد،بلکه تمام اعمال انجام شده بر اساس واکنش انجام میشود،واکنش نشان دادن در برابرپیشامدها هیچگاه شما را راضی و خشنود نخواهد کرد، بلکه در برابر هر پیشامد،ابتدا باید فکرکرده وسپس تصمیم گیری به اجرای عمل نمود،مهار نمودن فکر از تفکرات بی مورد،باعث خواهد شد شخص در برابر پیشامدها بتواندسریع فکر کرده و بهترین تصمیم را اتخاذ نماید،برانجام اعمال خود فکر کنید و آنجا که عملی باعث بهم ریختن تفکرات دیگران میشود از انجام آن عملها جداً خودداری کنید، آنجا که بتوانید فکری را متوجه حق و حقیقت کنید ،انجام عمل شما صحیح است ،آنجا که فکری را مشغول موهومات نمائید

عمل شما نادرست است ، هر شخص باید ابتدا هدف خود را در زندگی معلوم و مشخص کند، هدف دنیا، مال و ثروت سایر ابزار دنیائی را می طلبد، هدف الهی ، پاکی ها و نیکی ها را می طلبد و شخص باید نگاه اولش به گونه ای باشد که تنها نیکی ها را ببیند.

مثال: انسان ثروتمند هرگز نمیتواند در محله ای فقیر نشین آرامش خیال داشته باشد، همچنین انسان پاکدامن نمیتواند در محله ای فاسد به آرامش دست پیدا کند، شخصی که روز به روز بر ثروتش افزوده میشود بایستی مرتباً تغییر مکان داده و خود را در محله های ثروتمندان واقع کند، تا آنکه بتواند همراه با ثروتمندی خود فرهنگ ثروتمند زیستن را نیز از دیگران بیاموزد.

این قانون است که هنگامی شرایط شخص با شرایط محیط سازگار نباشد و متفاوت باشد، شخص زیر فشار واقع خواهد شد، هر شخص باید موقعیت خود را بشناسد و سپس خود را وارد محیطی نماید که همگون او باشد شرایط ناهمگون تولید فشار میکند، این اصل

وقانون روز قیامت است، که در قیامت انسانها باید وارد به شرایط همگون شوند، عدالت خداوند چنین است که نیکان به دور هم و فاسدان نیز گرد هم جمع آوری شوند، این اصل در دنیا اتفاق خواهد افتاد و همگی بنا به شرایط خاص خود از هم جدا شده و آنگاه که عمل جداسازی انجام شد، نوبت به حرکت همبستگی خواهد رسید، فاسدان با هم متحد شده و نیکان نیز با هم متحد خواهند شد، چون این حرکت روز قیامت است و خداوند به شیطان تا روز قیامت فرصت داده است، پس اتحاد فاسدان هیچ ضرر و زیانی به نیکان نخواهند رساند، بعد از عمل جداسازی، فاسدان به عذاب الهی گرفتار خواهند شد و نیکان آرامش الهی، آنان که دنبال دنیا و ابزارهای آرامش بخش دنیوی هستند، باید تغییر مکان دهند تا آنکه بتوانند از داشته های ظاهری خود نهایت استفاده را ببرند و تنها در همین دنیای ظاهر آرامشی کوتاه مدت را لمس کنند، ظاهر داری ها و ظاهر طلبی ها شخص را موزن خواهد نمود، آنجا که دارنده میشود

ولی محیط اطراف فقیر است ، لاجرم باید فقیر زندگی کند، این قانون است ،شخص یا باید خود را همگون محیط کند یا آنکه توان داشته باشد محیط را همگون خود کند، در عالم دنیائی و ظاهری چون شخص بی بهره از توان الهی است ،پس نمیتواند محیط را همگون خود کند و باید خود همگون محیط شود ،یعنی ثروتمند چون توان ندارد محیط اطراف خود را ثروتمند کند ،پس لاجرم باید خود فقیر زندگی کند.

چگونه میتوان حیوانی را در جنگل زندگی میکند،وارد کویر کرده و توقع داشت که بتواند ادامه ی حیات دهد ،با کمی دقت خواهید یافت که حیوانی مثل خرس هم در قطب هم در جنگل و هم در بیابان وجود دارد .

آیا این سه نوع خرس با هم یکی هستند؟ میدانید که چنین نیست ،نام آنها یکی است ولی خاصیت های آنها کاملاً با هم متفاوت است ،هر کدام در منطقه ای زندگی میکنند که همگون آن محیط باشند ،حال جابه

جا شدن این حیوان بستگی به آن دارد که حیوان مورد نظر با تغییر مکان بتواند خود را با محیط جدید سازگار کند یا نه، مطمئن باشید محیط با حیوان سازگار نخواهد شد و تنها این حیوان است که باید با محیط سازگار شود، نام خرس بسته به خاصیت هایی که دارد تا توانسته است با محیط سازگار شود.

پسوند خاصیتی دارد، مثل، خرس قطبی، خرس جنگلی، خرس کوهستانی یا بیابانی.

شما از روی پسوند نام خرس خواهید دانست چه خاصیت هایی دارد و در چه مکانی زندگی میکند .

انسانها نیز همگی خاصیت دارند و براساس خاصیت خود در محیط هایی همگون تجمع نموده اند، این حرکت را درمسیر کارهای ظاهری انسانها بخوبی میتوانید احساس کنید،تجمع کسبه، بازار است تجمع دانش آموز، مدرسه، تجمع دانشجو، دانشگاه ...

شما از روی پسوند هر نام خواهید دانست که خاصیت آن نام چیست ،مثلاً دانشجو تحصیل علم خاص میکند

و دانش آموز تحصیل علم عمومی دارد. ...ادامه
دارد...